

معتاد به رانت

عباس عبدي

رفتار انتخاباتی تندروها هنوز به پایان نرسیده و گویی تازه آغاز شده است. اخلاق گم شده آنان است. نه اخلاق مناظره دارند و نه اخلاق پیروزی و مهم تر از همه فاقد متانت اخلاقی برای پذیرش شکست هستند. رفتار و گفتاری که در این دو، سه روز از خود نشان دادند مایه تاسف و خطری جدی برای کشور است. با اینکه نامزدی که بنده هم از او حمایت می‌کردم، پیروز شده است ولی همچنان خود را پیروز نمی‌دانم، زیرا معتقدم در برابر شکستن سد تحریم همچنان موفقیت لازم را نداشتیم و نتوانستیم به اندازه کافی افراد را به پای صندوق رای بیاوریم. آقای پزشک‌یان باید بکوشد که آنان را به میدان بیاورد. ولی طرف مقابل که با تمام قدرت دولتی و حتی با حمایت رسانه‌های عمومی و حمایت مجموعه اصولگرایان تندرو گذشته و حال و با حمایت اسراییل و ماهواره‌ها نتوانسته برنده شود همچنان دنبال پیدا کردن یک مقصر غیر از خودشان است تا بلکه مرهمی بر زخم‌های ناسور خود بگذارد. هر کدام آنان سخنی و موضعی را علیه انتخابات اظهار می‌کنند. مشاور نامزد شکست خورده به مردم توهین می‌کند که چرا به ما رای ندادید و معتقد است؛ کسانی که به پزشک‌یان رای دادند نادان، کودک‌صفت و بی‌بهره از عقل هستند! و ۱۷ میلیون رای‌دهنده به پزشک‌یان هزینه نادانی خود را به بخش دیگر جامعه تحمیل کردند. شاید و به تعبیری درست می‌گوید، زیرا این رای‌دهندگان رانت‌های حکومتی را از آنان گرفته‌اند و به روز سیاه خواهند افتاد. یا یکی دیگرشان دنبال این است که به حساب شورای نگهبان برسد درحالی که قطعاً می‌داند ماجرا بالاتر از شورای نگهبان است. آن دیگری که نماینده مجلس است معتقد است که اعضای شورای نگهبان زیر باد خنک کولر نشسته‌اند و ۴ نفر را به جان یکی انداخته‌اند و این کارشان موجب شکست هر ۴ نفر شده!! و ترکیبی از نامزدها تحویل دادند که هیچ جوره نشود درستش کرد!! او یادش رفته بود که چند ماه پیش و در زمستان سرد، این شورا کنار شوفاز گرم نشسته بود و صلاحیت او را تایید و دیگران را رد کرده بود تا وی انتخاب شود! آن دیگری خارج‌نشین معتقد است که اگر حکومت برای افزایش رای کاری کند که فردی چون پزشک‌یان بیاید آن حکومت دیگر ارزش دفاع کردن ندارد.

تازه می‌گوید تا آخر امسال کار دولت تمام است!! دیگری یادش افتاده که نظام پارلمانی بهتر از نظام ریاستی است. آن دیگری عصبانی شده که چرا فرموده‌اید پس حق ندارید غر بزنید. کیهان هم در این میانه چنان تصویری از تحویل وضعیت عمومی دولت هنگام باخت نامزدشان ارائه کرده که اگر کسی نداند فکر می‌کند که پزشک‌ها در حال تحویل گرفتن وضعیت سویی‌س است. جالب‌تر از همه نامزد بازنده است که در روضه‌خوانی علیه دولت جدید، خط و نشان می‌کشد و می‌گوید که؛ اگر جایی ما چیزی گفتیم و دولت عمل کرد که هیچ، وگرنه ما وظیفه خود می‌دانیم ورود کنیم! خلاصه جمعه بازاری است. بلاهت پشت بلاهت.

واقعیت چیست؟ در یک کلام اعتیاد مزمن به رانت. هر چه در سیاست از رانت استفاده کردند بیچاره‌تر و ضعیف‌تر و وابسته‌تر شدند. ۶۰ درصد مردم رای ندادند ولی این جماعت رانتی به این اعتراض می‌کنند که چرا صحنه را جوری طراحی نکردید که ما میان این ۴۰ درصد برنده شویم؟ یک نیروی سیاسی چقدر باید حقیر و حیات آن رانتی باشد که حتی نتواند در این اندازه هم رقابت کند؟ اعتیاد ویرانگر است. فرد معتاد به مواد مخدر با استفاده از این مواد دچار سرخوشی و آرامش می‌شود، ولی اثر اعتیاد موقتی است و پس از زائل شدن آثار مواد، درد و سختی بیش از گذشته می‌شود به همین دلیل معتاد مجبور است دوز مصرف مواد را بیشتر کند تا درد نکشد. این کار موجب ضعف بیشتر و ناتوانی افزون‌تری در تحمل درد و سختی و بالاخره وابستگی بیشتر او به مواد مخدر خواهد شد. نگاهی به قیافه معتادان کنار بزرگراه‌ها یا در خرابه‌ها بیندازید ضعف و سستی را در چهره و تصویر آنان می‌بینید. این وضعیت را دقیقاً در گفتار همین افراد در سیاست هم می‌توان مشاهده کرد. گفتاری مغشوش و ناتوان از جمع و جور کردن خود دارند.

همان‌گونه که معتادان را به مراکز ترک اعتیاد می‌برند این افراد را هم باید در جریان ترک رانت قرار داد. نرسیدن رانت به آنان موجب به هم ریختگی روحی و روانی آنان می‌شود و دست به اقدامات ناهنجار خواهند زد. بنیان بازپروری این افراد ننگ داشتن آنان در فرآیند مشارکت سیاسی است. طرد سیاسی موجب تشدید بحران می‌شود. البته که راحت‌ترین کار طرد است ولی بی‌نتیجه‌ترین راه نیز طرد است. در هندسه کوتاه‌ترین فاصله میان دو نقطه خط مسقیمی است که آن دو نقطه را به یکدیگر وصل کند درحالی که در سیاست این راه شاید بدترین و خطرناک‌ترین راه باشد. اعتیاد مزمن به رانت سیاسی نزد اصولگرایان تندرو مساله ما است و باید برای آن چاره‌ای اندیشید. نادیده گرفتن

آن موجب حلش نمیشود.

□□□□□□ 1403 □□□ 20 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□